

تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور

Explaining The Concept of Family-Centered Curriculum

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳

F.Gholami(Ph.D)

M.Javadipour (Ph.D)

محمد جوادی پور^۲فوزیه غلامی^۱

M.Dehghani(Ph.D)

K.Salehi(Ph.D)

کیوان صالحی^۴مرضیه دهقانی^۳

H.Chaharbashloo(Ph.D)

حسین چهارباشلو^۵

Abstract: Understanding the family-centered curriculum requires more than exploring the combination of family activities and interactions, and there should be a focus on the views and intellectual systems that exist behind the norms of Iranian families. The current research was carried out with the aim of explaining the concept of family-centered curriculum. The data was collected using the semi-structured interview technique with 15 curriculum informants who were familiar with the family and the school. The collected data were analyzed and categorized based on the Systematic Approach Strauss & Corbin (2007). Based on the results of the research, 3 main categories (family orientation, hidden and informality and academic support) and 9 subcategories were extracted for the concept of family-oriented curriculum. Based on the findings, it can be concluded that the family-centered curriculum can include a set of hidden and informal functions of parents that are related to the educational and educational activities of children in the home environment, and the set of these functions can play a constructive role in empowering parents and further home and school participation and ultimately could lead to children's academic progress.

Keywords: curriculum, family, family-centered, family empowerment, sponsorship

چکیده: یکی از راهبردهای مطلوب برای تحقق اهداف نظام‌های تعلیم و تربیت، مشارکت بین خانه و مدرسه است. زمینه‌ساز این مشارکت، می‌تواند برنامه درسی خانواده محور و تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی باشد. پژوهش حاضر باهدف تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور انجام گرفته است. داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه نیمه‌ساختارمند با صاحب‌نظران برنامه درسی که به‌صورت هدفمند با ۱۵ نفر از آنها که آشنا با خانواده و مدرسه بودند گردآوری شده و با روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند (Strauss & Corbin, 2007). تحلیل و مقوله‌بندی شده است. بر اساس نتایج پژوهش، ۳ مقوله اصلی (خانواده‌مدار بودن، پنهان بودن و حمایت‌گری تحصیلی) و ۹ زیر مقوله برای مفهوم برنامه درسی خانواده محور ارائه شد. بر اساس یافته‌ها می‌توان استنباط کرد، برنامه درسی خانواده محور، مجموعه‌ای از عملکردهای پنهان و غیررسمی والدین در رابطه با فعالیت‌های آموزشی و تربیتی فرزندان در محیط خانه است که نقش سازنده‌ای در توانمندسازی والدین و مشارکت بیشتر خانه و مدرسه داشته و در نهایت منجر به پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، برنامه درسی خانواده محور، توانمندسازی خانواده‌ها، حمایت‌گری تحصیلی

۱. دانشجوی رشته برنامه‌ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fouziyegholami@yahoo.com

۲. دانشیار رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Javadipour@ut.ac.ir

۳. دانشیار رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ایران. Dehghani_m33@ut.ac.ir

۴. دانشیار رشته سنجش و اندازه‌گیری، بخش تخصصی پژوهش و سنجش، دانشگاه تهران، ایران. keyvansalehi@ut.ac.ir

۵. استادیار گروه علوم تربیتی و مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Hossein.chaharbashloo@gmail.com

خانواده در فرهنگ ایرانی پایه و ستون اصلی جامعه است. در این خانواده، فردی متولد می‌شود که می‌خواهد جامعه را بسازد و این امر وظیفه خطیری را بر عهده خانواده می‌گذارد و تلاش زیادی لازم دارد تا اثربخشی لازم را داشته و به آرمان‌ها و باورهای که در این خصوص وجود دارد، برسد. از نظر جامعه‌شناختی نیز، تعامل رفتاری بین اعضای خانواده و به‌ویژه تأثیر شدید پدر و مادر در شکل‌گیری شخصیت فرزندان برای اولین بار توسط Burgess (1926)، تحلیل شد. بر اساس گزارش Central Advisory Council for Education (1967) والدین در خانه در مقایسه با معلمان بر نگرش‌های فرزندان تأثیر عمیق‌تری می‌گذارند. در این باره Torbati et al (2020)، نیز معتقدند، والدین می‌توانند الگوی مناسبی برای تربیت و جامعه‌پذیری فرزندان خود باشند. در ایران قبول این باور که سهیم نمودن خانواده در تعلیم و تربیت و روند آموزشی، یکی از ابزارهای حیاتی در دستیابی به نتایج بهتر است و شاید بتوان از طریق تبدیل نظام بسته آموزشی به الگوی مردم‌سالاری آزاد (Ahmadi & Mohebbi, 2022) و توجه، شناسایی درست و در اولویت قرار دادن نیاز کاربران خود یعنی؛ معلمان، فراگیران و خانواده‌ها (Madondo, 2021) این باور را عملی کرد.

از نظر Schwab (1973) در تصمیم‌گیری درباره برنامه‌های درسی باید به عناصر معلم، یادگیرنده، موضوع درسی و محیط توجه شود. این عناصر در یک ترکیب‌بندی برای برنامه درسی خانواده محور می‌توان به این صورت بیان کرد، افرادی (والدین) که به یاددهی چیزی (نگرش‌ها، باورها و ارزش‌ها و...) برای دیگری (فرزندان) در یک محیط (خانه) می‌پردازد. با توجه به این عناصر و این تعریف Mehrmohammadi (2011) که برنامه‌ی درسی خانواده محور، ناظر بر تجربیاتی است که فرزندان به طور طبیعی، متأثر از تنفس در فضای خانواده یا زیست در آن کسب می‌کند، می‌توان گفت، در برنامه درسی خانواده محور ترکیبی از چهار عنصر برنامه درسی گنجانده شده و حتی خانواده را به‌عنوان عنصر اصلی گروه تصمیم‌گیری درباره این برنامه درسی مطرح کرده است.

تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور

(Walberg, 1994, 1988) اولین شخصی بود که از مفهوم برنامه درسی خانواده محور استفاده کرد. اولین دسته‌بندی مطرح‌شده برنامه درسی خانواده محور در سال ۱۹۸۴، توسط او به شش مؤلفه تقسیم شدند: محاوره‌های آگاهی‌بخش والدین با کودک درباره تکالیف درسی و رخدادهای روزمره، گفتگو درباره مطالعه در اوقات فراغت و تشویق کودک به آن، نظارت بر تماشای تلویزیون کودک و تحلیل مشترک از آن، به تعویق انداختن اجابت خواسته‌های کودک برای دستیابی به اهداف بلند مدت، ابراز عشق و علاقه به رشد علمی و شخصی کودک. سپس، Redding (1992) این مؤلفه‌ها را به هشت مؤلفه ارتقا و دو عنصر، شیوه‌های خانوادگی و پیشرفت تحصیلی و گروه همسالان خارج از مدرسه نیز اضافه کرد و معتقد بود این عناصر برنامه درسی خانواده به طور مستقیم بر یادگیری تحصیلی تأثیر دارند.

مطالعات حاکی از سهم بودن و اثربخشی همراهی خانواده در برنامه درسی و انگیزه یادگیری (Santuso, 2020, Frency & Agustina, 2021, و Prasetyo, 2016) نقش و اهمیت برنامه درسی خانواده محور در فعالیتهایی همچون، گفتگو بین والد / فرزندان در مورد مدرسه و کمک به فرزندان در انجام تکالیف درسی (Dempsey & Keen, 2007, Karami et al, 2022)، نقش مشارکت خانه و مدرسه و ابعاد مختلف آن (Gholami et al, 2024, Batool & Raiz, 2020, Epstein et al, 2019, habibi et al, 2022, zarei et al, 2020, torabi et al, 2023) تأثیر برنامه درسی خانواده محور بر تعلیم و تربیت (Walberg, 1984 & 1988; Redding, Sarason, 1971; Walberg & Wallace, 1992)، نقش خانواده و مشارکت آنها در برنامه درسی (Chen, 2018; Ntekane, 2018; Araqhieh, 2019; Ahmadi & Mohebbi, 2022)، مؤلفه‌ها و نشانگرهای بهره‌وری آموزشی و مشارکتی برنامه درسی خانواده محور (Gholami et al, 2024)، و فرهنگ خانواده و برنامه درسی خانواده‌ها (Sobhaninjad & Yuzbashi, 2013 و Smith, 2011)، است. برای مثال، Gholami et al (2024) برای برنامه درسی خانواده محور ۴ مؤلفه (مطالعه و یادگیری، مشارکت‌های درسی در خانه، عاملیت در حمایت‌گری تحصیلی، تعامل والدین با مدرسه) و ۲۳ نشانگر مشارکتی را مطرح کرده و به این نتیجه رسیدند که این مؤلفه و نشانگرهای برنامه درسی خانواده محور نقش مهمی در مشارکت بین خانه و مدرسه داشته و اثرات این مشارکت بر یادگیری قابل‌قبول و معقول بوده و اگر این مشارکت نظام‌مندتر و پایدارتر باشد ممکن است تأثیرات بزرگ‌تری برجای گذارد و برنامه‌های مشارکتی مطلوب‌تری بین معلمان و مدیران و

والدین ایجاد کند. این مشارکت همان نقش پررنگ برنامه درسی خانواده محور است که به عنوان کلید دوم برای بهره‌وری آموزشی معرفی می‌شود.

برنامه درسی خانواده محور را می‌توان به بهترین نحو با رتبه‌بندی دقیق ارزش‌های خانواده و رفتارهای والدین با فرزندان‌شان در محیط خانه درک کرد. از آنجاکه ارزش‌های خانواده (نگرش‌ها و باورهای والدین) به عنوان «واسطه‌های شناختی» عمل می‌کنند، تعاملات والدین با فرزندان‌شان را شکل می‌دهند و هدایت می‌کنند و ممکن است به عنوان دلایل رفتارهای خاص برنامه درسی خانواده در نظر گرفته شوند. (Sarason, 1971) هم، بر ضرورت توجه به برنامه - درسی خانواده محور به عنوان یکی از بسترهای فعال و اثرگذار بر رفتار فرد تأکید داشته و معتقد است که برنامه درسی خانواده محور، باعث ساماندهی مطلوب تعاملات خانه و مدرسه می‌شود. از آنجاکه بخشی از شخصیت کودکان در قالب برنامه درسی خانواده محور و بخشی دیگر در مدرسه شکل می‌گیرد (Pasandideh & Sabzeh, 2021)، افشای این منبع غنی مستلزم درک بهتر ارتباط مدرسه و والدین، آموزش والدین و اصلاح مدرسه است. هیچ فرمول مشخصی برای این مشارکت وجود ندارد و اگر اندیشه مشارکت یا تداوم نقش تربیتی خانواده‌ها و برنامه‌ی درسی خانواده در حوزه تعلیم و تربیت تحقق یابد و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بر اساس اصول و مبانی مشارکت، به مرحله عمل درآیند، به تدریج راه‌های جدیدی در این زمینه کشف می‌شود و بسیاری از معضلات آموزشی کاهش می‌یابد.

با مرور آنچه گذشت و با نگاهی به نتایج پژوهش‌های گذشته، مشخص شد تاکنون پژوهشی مستقیم به توصیفی دقیق از برنامه درسی خانواده محور و جایابی این مفهوم نپرداخته و در یک مورد به شناسایی مؤلفه‌ها و نشانگرهای (مشارکتی و بهره‌وری آموزشی) برنامه درسی خانواده محور (Gholami et al, 2024)، پرداخته شده است. پژوهش حاضر به عنوان نخستین گام و تلاشی در راستای تبیین این مفهوم در خانواده ایرانی از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران برنامه درسی است تا توصیفی دقیق از برنامه‌ی درسی خانواده محور ارائه داده و بتواند ضمن گسترش مبانی نظری موجود در مورد موضوع موردنظر، باعث گشایش افق‌های جدید برای پژوهشگران در قلمرو طراحی الگوی مناسب برای این برنامه درسی، افزایش دامنه موضوعی و معرفتی رشته مطالعات برنامه درسی شود و همچنین، جلوه تازه‌ای به حوزه اهمیت نقش خانواده

تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور

در تعلیم و تربیت ببخشند و نیز توانسته باشد خلأ پژوهشی در زمینه‌ی برنامه درسی خانواده محور در ایران را پر کند. آنچه در این پژوهش مورد پیگیری قرار می‌گیرد، برنامه‌ی درسی خانواده محور از نظر صاحب‌نظران برنامه‌ی درسی چه معنایی دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر رویکرد از نوع مطالعات کیفی است. راهبرد مورد استفاده نظریه داده‌بنیاد از نوع نظام‌مند (Corbin & Strauss, 2007) می‌باشد. جهت پاسخ-گویی به سؤال پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و مشارکت‌کنندگان از میان صاحب‌نظران برنامه درسی، به شیوه هدفمند از نوع ملاکی، ۱۵ نفر انتخاب شدند. ملاک ورود به مطالعه رتبه علمی بالا (دکتری و بالاتر) و سابقه پژوهشی در حوزه خانواده و مدرسه و تعامل والدین با مدرسه، مدنظر قرار گرفت. اختیاری بودن ورود و خروج شرکت‌کنندگان در جریان مصاحبه به عنوان یک شرط الزامی برای شروع مصاحبه بود. داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و ضبط صوت جمع‌آوری شد. برای برخی از مشارکت‌کنندگان قبل از مصاحبه سؤالات در اختیار آنها قرار داده شد و ضمن اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات مجوز ورود در جریان مصاحبه اخذ گردید. طول مدت مصاحبه بین ۳۰- ۸۵ دقیقه بر اساس تمایل شرکت‌کنندگان متغیر بود و هر جلسه برای مشارکت‌کنندگان ابتدا با سؤالات کلی آغاز و به تدریج بر اساس تحلیل داده‌ها با سؤالات اکتشافی ادامه یافت. اشباع نظری داده‌ها در پانزدهمین نفر حاصل شد. در جدول (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان نمایش داده شده است:

جدول ۱. اطلاعات مشارکت‌کنندگان

کد	جنسیت	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	طول مدت مصاحبه
۱	مرد	دانشیار	رشته برنامه‌ریزی درسی	۴۰ دقیقه
۲	مرد	استادیار	رشته برنامه‌ریزی درسی	۴۴ دقیقه
۳	زن	استاد	رشته برنامه‌ریزی درسی	۴۱ دقیقه
۴	مرد	استاد تمام	رشته برنامه‌ریزی درسی	۴۰ دقیقه
۵	مرد	دانشیار	رشته برنامه‌ریزی درسی	۱ ساعت و ۲۵ دقیقه
۶	زن	دانشیار	رشته برنامه‌ریزی درسی	۳۵ دقیقه

کد	جنسیت	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	طول مدت مصاحبه
۷	مرد	دانشیار	رشته تعلیم و تربیت، کارشناس مسائل تربیتی و پژوهشی حوزه‌های روان‌شناسی	۴۴ دقیقه
۸	مرد	استاد	رشته برنامه‌ریزی درسی	۵۲ دقیقه
۹	زن	دانشیار	رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی	۳۶ دقیقه
۱۰	زن	استاد	رشته برنامه‌ریزی درسی	۴۲ دقیقه
۱۱	مرد	دانشیار	رشته روان‌شناسی کودکان	۳۲ دقیقه
۱۲	مرد	استادیار	رشته برنامه‌ریزی درسی	۳۳ دقیقه
۱۳	زن	استادیار	رشته برنامه‌ریزی درسی	۳۷ دقیقه
۱۴	زن	دانشیار	رشته برنامه‌ریزی درسی	۳۵ دقیقه
۱۵	مرد	استاد	رشته برنامه‌ریزی درسی	۳۰ دقیقه

فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها و به صورت دستی و فقط در یک مرحله کدگذاری باز انجام شد. به این صورت که پژوهشگر مصاحبه موردنظر را یادداشت کرده و به بررسی داده‌ها و طبقه‌بندی آنها در قالب داده‌های متنی پرداخت. در مرحله‌ی بعد، با ارجاع به سؤال مصاحبه، جدول جداگانه طراحی شد و کدگذاری اولیه انجام و باتوجه به واحد تحلیل که جمله بود، به هر جمله معنی‌دار یک کد یا برچسب داده شد. روند تحلیل داده‌ها باتوجه به ماهیت موضوع به صورت رفت و برگشتی بود. به این صورت که بعد از هر مرحله گردآوری داده، روند تحلیل و کدگذاری اولیه آنها شروع می‌شد. در جدول زیر نمونه کدگذاری اولیه یکی از مقوله‌های به دست آمده در پژوهش حاضر آورده شده است:

جدول ۲. نمونه کدگذاری از چگونگی تشکیل یکی از مقوله‌ها و زیر مقوله‌های آن

روایت‌ها	کدهای اولیه	زیر مقوله‌ها	مقوله‌ها
یکی از کارهایی که خانواده‌ها می‌توانند انجام دهند، این است که محیط خانه را برای یادگیری و آموزش مناسب و امن کرده تا بچه‌ها با آرامش درس بخوانند و خانواده‌ها باید از مجادله با هم و ناامن کردن خانه پرهیز کنند؛ چون نتایج خوبی به بار نمی‌آورد (۹).	ایجاد محیط مناسب	یادگیری در خانه	حمایت‌گری تحصیلی
...	روی	اثر مهم خانواده بر حمایت‌های محیطی	

فرزندان در خانه و همچنین، بازده آموزشی مفید در در خانه (۲، ۱۱، ۱۰) سیستم آموزشی است (۱۰). نقش خانواده در خانواده مجموعه‌ای از نقش‌های مثبت و منفی را می‌توانند داشته باشند که ایفای برخی از نقش‌ها باعث تحقق برنامه‌ی درسی (۹) اهداف برنامه‌ی درسی می‌شود که در مجموع می‌تواند باعث پیشرفت تحصیلی فرزندان شود (۹).

برنامه درسی تحصیلی محور خانواده، تمام اموری که هماهنگی بین خانه مربوط به هماهنگی بین خانه و مدرسه با تأکید بر نقش و مدرسه مؤثر و آموزشی خانواده است... باید برنامه‌ای تنظیم کنیم (۱۵، ۹) تا خانواده طبق آن عمل کند و با مدرسه هماهنگ باشد (۱۵).
توانمندسازی
خانواده‌ها

... پس؛ اگر خانواده را محور قرار دهیم به آموزش و آموزش خانواده اطلاعات نیاز دارد و باید به آنها خوراک بدهیم و در برابر (۱۳، ۵) سؤالات خانواده‌ها سکوت نکنیم. مثلاً؛ در جلسات آموزش خانواده به سؤالات آنها پاسخ دهیم (۵).

بعد از تمام‌شدن همه‌ی مصاحبه‌ها، کدگذاری باز آغاز شد. اقدام اساسی و منظم برای تحلیل داده‌ها زمانی آغاز شد که تمام داده‌های حاصل جمع‌آوری و پیاده شدند. در این مرحله ۵۳ کد اولیه به دست آمد و به منظور یافتن قواعد تکرار شونده در آنها با هم مقایسه شدند. مجموعه‌ای از واحدهای اطلاعات به دلیل داشتن قواعد تکرار شونده و شباهت‌های معنایی در یک مقوله جای داده شدند و به تناسب محتوای داخل آن، یک نام برای آن انتخاب شد. این مفاهیم شامل کدهای اولیه بود. در مرحله بعد تقلیل داده‌ها صورت گرفت و با توجه به مفاهیم مشترک بر اساس مقایسه‌های ثابت (تشابهات و تفاوت‌ها) در قالب زیر مقولات دسته‌بندی شد. در نهایت بر طبق همین مقایسه‌ها، مقوله اصلی به دست آمد.

چهار معیار جهت ارزیابی روایی و پایایی استفاده شده است، ۱) معیار تناسب^۱، به این معنی است که مقوله‌ها باید از داده‌ها پدیدار شوند و از دیدگاه‌های نظری از قبل تعیین شده انتخاب نشوند. جهت تأمین این شاخص مقوله‌ها در این پژوهش، صرفاً از داده‌های جمع-

آوری شده پدیدار گشت و پژوهشگر تلاش نمود تا، رویکرد غیر ارزیابانه‌ای را اتخاذ کند همچنین، توامان کدهای باز برگرفته از صدای صاحب‌نظران بود. (۲) معیار کارایی^۱، به این موضوع اشاره دارد که آیا مفاهیم، مساله اصلی شرکت کنندگان را برآورده می‌کند، در این پژوهش کدها به صورت مستقیم و غیر مستقیم توسط صاحب‌نظران عنوان شد و همچنین، یادداشت‌نگاری‌هایی که توسط پژوهشگران صورت گرفت کمک کرد تا، تصمیماتی را که افراد یا کنشگران در این حوزه اتخاذ می‌کنند را تفسیر نماییم. (۳) معیار مرتبط بودن^۲، زمانی حاصل می‌شود که داده‌ها برای کنشگران آن عرصه و همین‌طور، مشارکت‌کنندگان در پژوهش مهم تلقی شود و برای آنها منطقی و معنادار باشد. این معیار در این پژوهش، از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با صاحب‌نظران و ارایه دیدگاه‌های شخصی به دست آمد. (۴) معیار اصلاح پذیری^۳، نیز بیانگر آن است که داده‌های به دست آمده می‌بایست از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد که با داده‌های جدید با تغییر بستر، قابل تجدیدنظر باشد یعنی؛ امکان اصلاح و تعدیل نتایج وجود داشته باشد. از این رو، نتایج حاصل از فرایند پژوهش هیچگاه غلط یا درست نیست و یک فرایند مستمر است و تمام نتایج این پتانسیل را دارند که در آینده توسعه یابد (Glaser, 1998). در کل در این بخش، از مصاحبه‌های مداوم و ارتباط مستمر با متخصصان و استفاده از نظرهای تکمیلی همکاران (اساتید راهنما و مشاور) و مرور دست‌نوشته‌ها، مقوله‌ها و نتایج از جانب صاحب‌نظران در پژوهش به منظور اعتباریابی استفاده می‌گردد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل داده‌های انجام شده از کل مصاحبه‌ها، در مجموع ۵۳ کد اولیه که به ۳ مقوله و ۹ زیر مقوله منتج شد، که در جدول (۳) زیر آمده است:

- 1) Workability
- 2) Relevance
- 3) Modifiability

مقوله‌ها	زیر مقوله‌ها	کدهای اولیه	
خانواده مدار بودن	نقش اثرگذار خانواده در تعلیم و تربیت	نقش خانواده در تعلیم و تربیت (۱۲،۱۵، ۴،۳،۵)	
	نقش اثرگذار خانواده در تعلیم و تربیت	مهم بودن نقش خانواده در یادگیری دانش آموزان (۹)	
	کانونی بودن عنصر خانواده در فرایند برنامه ریزی درسی	نقش خانواده در طرح و حل مسئله (۵)	
	فرایند برنامه ریزی درسی	ایفای نقش خانواده به عنوان یکی از ارکان برنامه درسی (۱۴،۳،۴)	
		ایفای نقش کانونی و محوری خانواده در کل فرایند برنامه‌ی ریزی درسی (۶،۱۱،۱۲، ۳،۱)	
		تأکید بر نقش خانواده در سند تحول (۵)	
		خانواده محوری (۸،۱،۵)	
	اختصاصی و منعطف بودن سرویس ارائه شده به فرزندان	آغاز و جهت دهی یادگیری در محیط خانواده (۱۳،۳، ۷، ۲)	
	همکاری و ارتباط دوجانبه	طرح جامع آموزش و یادگیری در خانه (۱۵،۱۳،۶،۴،۷)	
	پذیرش انتخاب‌های خانواده‌ها	کسب مهارت خانواده‌های برای برقراری ارتباط و آموزش (۱۰،۱۵)	
پنهان بودن	پنهنان مغفول	کسب مهارت زندگی از والدین (۸)	
	غیررسمی	متأثر از رسانه‌ها، جامعه و فرهنگ خانواده‌ها (۱۴،۱۱)	
		دانش و نگرش خانواده‌ها (۹)	
		باید و نبایدهای درون خانواده (۴)	
		سبک‌های تربیتی والدین (۱۳،۷)	
		پنهنان مغفول (۳،۶،۵)	
		غیررسمی (۱۰،۷،۳)	
	حمایت‌گری تحصیلی	ارتقا و پیشبرد حمایت‌های محیطی	ایجاد محیط مناسب یادگیری در خانه (۲،۹)
			اثر مهم خانواده بر روی تجربه‌های آموزشی در خانه (۱۰،۱۱،۲)
			نقش خانواده در تحقق اهداف برنامه درسی (۹)
		هماهنگی بین خانه و مدرسه (۹،۱۵)	
	ارتقا و پیشبرد حمایت‌های آموزشی خانواده‌ها	آموزش خانواده (۵،۱۳)	

باتوجه به یافته‌ها، مقوله اول پژوهش، خانواده‌مدار^۱ بودن برنامه درسی خانواده‌محور با ۵ زیرمقوله بود. واژه‌های متعددی برای خدمات خانواده‌محور وجود دارد که از جمله می‌توان به: خانواده‌محوری، خانواده‌مداری و مرکز و محور بودن خانواده اشاره کرد، ولی، واژه‌ای که امروزه بیشتر مورد توجه است، خانواده‌محوری است. با توجه به مقوله خانواده‌مداری، ویژگی‌ها و جوهره‌ی اصلی در خانواده‌محور بودن، دخیل کردن خانواده در تصمیم‌گیری، اختصاصی و منعطف بودن سرویس ارائه شده به فرزندان، همکاری و ارتباط دو جانبه، پذیرش انتخاب‌های خانواده‌ها، حمایت از خانواده‌ها، سهیم کردن خانواده در اطلاعات و توانمندسازی خانواده‌ها است (Dunst, 2002) با توجه به یافته‌های این پژوهش نیز می‌توان دو ویژگی دیگر را با عنوان دو زیر مقوله برای خانواده‌محور بودن برنامه درسی خانواده با عنوان ایفای نقش خانواده در تعلیم و تربیت و کانونی بودن عنصر خانواده در فرایند برنامه ریزی درسی، به این ویژگی‌ها اضافه کرد. زیر مقوله‌های به دست آمده از یافته‌های این پژوهش برای این مقوله‌ی خانواده‌مدار بودن را می‌توان در ۵ دسته زیر تقسیم کرد:

نقش‌های اثرگذار خانواده‌ها در تعلیم و تربیت شامل: نقش خانواده در تعلیم و تربیت و یادگیری دانش‌آموزان و نقش خانواده در طرح و حل مسئله است. در گذشته وظیفه‌ی مدارس منحصر به انتقال دانش و معلومات به دانش‌آموزان بود. اما به علت وجود تغییرات سریع اقتصادی و اجتماعی و تغییراتی که در ارزش‌ها و روش‌های زندگی در جوامع پدیدآمده انتظار می‌رود، مدرسه علاوه بر انتقال دانش و فرهنگ، خود را ضامن رشد اجتماعی و سلامت روانی دانش‌آموزان می‌داند، بدین جهت نقش خانواده به‌عنوان رکن و سهیم در تعلیم و تربیت در بهبود یادگیری و آموزش آشکار می‌گردد. مشارکت‌کنندگان نیز بر مهم بودن نقش خانواده و محور بودن این نقش در تعلیم و تربیت اشاره کردند و گفتند: "... خانواده در تربیت یک رکن مهم است و اساساً بر عهده خانواده است و مدارس در اصل وکالت تربیت را دارد نه اینکه مسئولیت با او باشد. پس، مسئولیت با خانواده‌هاست" (مشارکت‌کننده، ۳).

باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر، کانونی بودن عنصر خانواده در فرایند برنامه‌ریزی درسی، می‌تواند شامل: ایفای نقش خانواده به‌عنوان یکی از ارکان برنامه‌ی درسی، ایفای نقش کانونی و محوری خانواده در کل فرایند برنامه‌ی ریزی درسی، تأکید بر نقش خانواده در سند

تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور

تحول و خانواده‌محوری، باشد. خانواده باید در فرایند برنامه‌ی درسی حضور اثربخشی داشته باشد؛ زیرا، می‌تواند فرایند تعلیم و تربیت را حمایت نموده و سبب افزایش کیفیت برنامه‌ی درسی و ارتقا انگیزه دانش‌آموزان شود.

مشارکت‌کنندگان نیز معتقد بودند: "... ما در برنامه درسی باید ارکان اساسی را مورد توجه قرار بدهیم. این ارکان یادگیرنده، مدرسه یا برنامه درسی و رکن سوم خانواده است. بین این سه تعامل وجود دارد و برنامه درسی یادگیرنده محور را تشکیل می‌دهند. در برنامه درسی خانواده محور تأثیر این سه رکن را نمی‌توان مورد غفلت قرار داد. همان‌گونه که خانواده برای یادگیری بستر سازی می‌کند، دانش‌آموز هم عکس‌العمل‌هایشان می‌تواند متأثر از خانواده باشد. فرد، نماینده خانواده خودش است و بالعکس" (مشارکت‌کننده، ۱۴).

برنامه درسی خانواده محور می‌تواند، با نگاه عام و مستقل از موقعیت و زمینه به تعاملات آموزشی و تجویز برنامه‌های آموزشی یکنواخت برای همه خانواده‌ها در سراسر کشور، با توجه به فرهنگ‌های مختلف موجود در کشور و همچنین، تمام حوزه‌های مورد نظر خانواده‌ها (جامع) باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش آغاز و جهت‌دهی انواع یادگیری‌ها در محیط خانه و توسط خانواده‌ها و داشتن طرح جامع آموزش و یادگیری در خانه می‌تواند اختصاصی و منعطف بودن برنامه درسی خانواده محور را نشان دهد.

از آنجاکه آغاز یادگیری و آموزش‌های فرد از محیط خانه است، عقل و منطق، قانون اجتماع و از نظر تاریخی، مسئولیت اصلی تعلیم و تربیت بر عهده خانواده نهاده شده است و در بزرگسالی نیز مسئول کارهای فرزندشان هستند، چون، بسیاری از مطالب را در خانه فرامی‌گیرند. یکی از مشارکت‌کننده‌ها، در این باره می‌گوید: "... هر جا (خانواده، جامعه، رسانه‌ها) یادگیری باشد، برنامه درسی هم وجود دارد... نقطه آغاز یادگیری‌ها در خانواده‌ها است. چون، در محیط خانواده، هم یادگیری صورت می‌گیرد و هم خانواده به آن یادگیری جهت می‌دهد..." (مشارکت‌کنندگان، ۲).

همکاری و ارتباط‌های دوجانبه والدین می‌تواند شامل: کسب مهارت خانواده‌ها برای برقراری ارتباط با هم و آموزش و کسب مهارت زندگی از والدین باشد. ارتباط‌های تعاملی بین والد و فرزند، انتظارها و پاسخ‌های آینده فرزندان را تشکیل می‌دهد، به این صورت که والدینی که از مهارت‌های ارتباطی بالا برخوردارند و قادر هستند روابط مثبت را با فرزندان خود حفظ

کنند، رشد اجتماعی فرزندان را تسهیل کرده و این پتانسیل را دارند تا رفتارهای ناسازگارانه فرزندان را کاهش دهند (Lorence et al, 2014)

از نظر یکی از مشارکت‌کنندگان: "برنامه درسی خانواده محور می‌تواند هر برنامه‌ای باشد که به خانواده مهارت ارتباط را یاد می‌دهد. برنامه درسی خانواده محور یعنی، یادگیری‌های خانواده‌ها برای برقراری این ارتباط... مهارت‌های کلی به خانواده دادن درباره آموزش فرزندان (روش تدریس، ایجاد فرصت یادگیری و ارزشیابی)... و باید برنامه‌ای تنظیم کنیم تا خانواده طبق آن عمل کند و با مدرسه هماهنگ باشد" (مشارکت‌کننده، ۱۰، ۱۵).

انتخاب‌های خانواده‌ها می‌تواند همان ارزش‌های خانواده‌ها باشند. باتوجه به ویژگی‌های این مقوله، پذیرش انتخاب‌های خانواده‌ها، می‌تواند شامل: متأثر از رسانه‌ها، جامعه و فرهنگ خانواده‌ها، دانش و نگرش خانواده‌ها، باید و نبایدهای درون خانواده، سبک‌های تربیتی مخصوص هر خانواده باشد. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند: "زمانی که مداخله‌ای را بر روی کودک انجام دهیم و هیچ هدف‌گذاری و مداخله‌ای از جانب خانواده نباشد، مداخله‌ی کاملی نخواهد بود. برنامه درسی اگر همسو و هم‌جهت با خانواده نباشد یا خانواده خود را با آن همسو نکند اثربخشی کمی دارد... برنامه درسی خانواده می‌تواند متأثر از رسانه‌ها، جامعه و فرهنگ خانواده نیز، باشد" (مشارکت‌کننده، ۱۱).

باتوجه به یافته‌های پژوهش، مقوله دوم پنهان بودن برنامه درسی خانواده محور با ۲ زیر مقوله‌ی پنهان و مغفول و غیررسمی بود. با توجه به تعاریف برنامه درسی پنهان که اشاره به آنچه را دانش‌آموز از فرهنگ خانواده، وسایل ارتباط جمعی، ارتباط با دوستان و همسالان و رفتار غیره کسب کند، دارد (Maleki, 2017). یکی از مشارکت‌کنندگان در برداشت خود از برنامه درسی خانواده‌محور، این زیر مقوله را در حوزه برنامه درسی پنهان قرار داد و گفت: "...در خانواده‌ها آموزش‌هایی به صورت آشکار صورت می‌گیرد. ولی، از این رفتارهای پدر و مادر و آموزش‌هایشان نیز، درس‌های دیگری گرفته می‌شود که در حوزه پنهان قرار می‌گیرد و تأثیرگذاری زیادی دارند..." (مشارکت‌کننده، ۶).

برخی مشارکت‌کنندگان برنامه درسی خانواده محور را برنامه‌ای مغفول خوانده و معتقد بودند: "... این برنامه چه به عمد چه به سهو به آن توجه نمی‌کنیم..." (مشارکت‌کننده، ۶)...

تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور

می‌تواند به صورت پنهان و مغفول هم، باشد و این را آکسی مورونی آزار دهنده در تعلیم و تربیت می‌دانستند. یعنی از یک طرف می‌گوییم خانواده مهم است و باید در مدارس و برنامه درسی حضور داشته باشد. از طرف دیگر، در عمل هیچ برنامه و خوراک فکری برای این کار نداریم و تضاد دو چیز با هم، است" (مشارکت‌کننده، ۵).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان برنامه درسی خانواده محور را نوعی برنامه درسی غیررسمی می‌دانست و اظهار داشت "... این برنامه می‌تواند نوعی یادگیری در خانه و دادن معلومات آموزشی و تربیتی به صورت غیررسمی به فرزندان باشد" (مشارکت‌کننده، ۷).

باتوجه به یافته‌ها، مقوله سوم پژوهش حمایت‌گری تحصیلی^۱ با ۲ زیرمقوله‌ی، ارتقا و پیشبرد حمایت‌های محیطی و ارتقا و پیشبرد حمایت‌های آموزشی خانواده‌ها بود. منظور از حمایت‌گری تحصیلی، رفتارها و تعهداتی است که باعث فراهم کردن موقعیت‌ها و لوازم مورد نیاز جهت یادگیری، حضور در فعالیت‌ها و رقابت‌های فرزندان و ارائه بازخورد مناسب نسبت به عملکرد آنها، است (Salehi Ardestani & Khormaei, 2018). با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان این پژوهش، از جمله این حمایت‌ها می‌توان به ایجاد محیط مناسب برای یادگیری در خانه و تأثیر تجربه‌های کسب شده در محیط خانه و همچنین، نقش خانواده در تحقق اهداف برنامه درسی اشاره کرد. یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد بود: "...یکی از کارهایی که خانواده‌ها می‌توانند انجام دهند این است که، محیط خانه را برای یادگیری و آموزش مناسب و امن کرده تا، بچه‌ها با آرامش درس بخوانند و خانواده‌ها باید از مجادله با هم و ناامن کردن خانه پرهیز کنند. چون نتایج خوبی به بار نمی‌آورد" (مشارکت‌کننده، ۹).

مهم‌ترین انگیزه والدین در مشارکت در تعلیم و تربیت، کمک به بهبود آینده تحصیلی و شغلی و همچنین، توانا بارآوردن فرزندان است (Mardan Arbat & Adib, 2016). به همین خاطر وقت بیشتری را برای رسیدگی به تکالیف و یادگیری فرزندان گذاشته تا بتوانند به تحقق اهداف برنامه درسی و در نهایت موفقیت تحصیلی دست پیدا کنند. مشارکت‌کنندگان نیز به این موضوع اشاره کرده و گفتند: "اگر برنامه درسی را همه فرصت‌های یاددهی و یادگیری در نظر بگیریم، به جز کودکان خانواده‌ها به عنوان ذی‌نفعان هستند... خانواده می‌تواند مجموعه‌ای از

نقش‌های مثبت و منفی را داشته باشد... ایفای مثبت برخی از این نقش‌ها باعث تحقق اهداف برنامه درسی شده و در مجموع باعث پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌شود... " (مشارکت‌کننده، ۹). یکی دیگر از زیر مقوله‌های حمایت‌گری تحصیلی، ارتقا و پیشبرد حمایت‌های آموزشی از خانواده‌ها بود. این حمایت‌ها می‌تواند برای توانمندسازی خانواده‌ها در زمینه‌های آموزش به آنها باشد. توانمندسازی، در برگیرنده ارتباطات حرفه‌ای با خانواده است به گونه‌ای که خانواده، احساس کنترل بر اوضاع را حفظ کرده یا آن را کسب نماید و پذیرای تغییرات مثبت ناشی از رفتارهایی باشد که به دلیل گسترش توانایی‌ها و عملکردها ایجاد شده است. نتایج حاصل از توانمندسازی شامل اعتماد به نفس، توانایی دستیابی به اهداف و داشتن احساس کنترل بر زندگی و فرایندهای تغییر و نیز احساس امیدواری به آینده است (Alhani, 2003). در پژوهش حاضر ارتقا و پیشبرد حمایت‌های آموزشی از خانواده‌ها شامل: هماهنگی بین خانه و مدرسه و برنامه‌های آموزش‌های خانواده است.

از آنجاکه مدرسه قادر نیست مسئولیت سنگین مادری خود را برای تعلیم و تربیت بدون حمایت و همراهی دیگر اعضای خانواده (نهادها) انجام دهد (Fazeli, 2021) و از سویی دیگر بدون شناخت خانواده‌ها و بدون تکیه بر امکانات و توانایی‌های اولیا و همکاری آنان و بدون مشارکت فعال و مداوم و عدم اعتمادسازی والدین، مدارس به سختی اهداف خود را دنبال می‌کنند و از این‌رو، مشارکت و اعتماد والدین در فرایند تصمیم‌گیری‌های آموزشی از طریق هماهنگ‌شدن خانه و مدرسه سیاست‌های اساسی نظام آموزشی پیشرو است (Hasanzadeh Viai & Navaei, 2022). یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد بود: "... برنامه درسی تحصیلی محور خانواده، تمام اموری که مربوط به هماهنگی بین خانه و مدرسه با تأکید بر نقش مؤثر و آموزشی خانواده است... باید برنامه‌ای تنظیم کنیم تا خانواده طبق آن عمل کند و با مدرسه هماهنگ باشد" (مشارکت‌کننده، ۹).

به‌زعم صاحب‌نظران و با توجه به مقوله‌های به‌دست‌آمده، در نهایت تعاریف زیر (جدول ۴) برای برنامه درسی خانواده‌محور حاصل شد:

ردیف	توصیف صاحب‌نظران از برنامه درسی خانواده محور
۱	مجموعه‌ای از عملکردهای پنهان و غیررسمی والدین در رابطه با فعالیت‌های آموزشی و تربیتی فرزندان در محیط خانه است که نقش سازنده‌ای در توانمندسازی والدین و مشارکت بیشتر خانه و مدرسه داشته و در نهایت منجر به پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌شود.
۲	مجموعه دانش، نگرش و رفتارهای پنهان و غیررسمی والدین در خانه که می‌تواند به‌منظور حمایت‌گری تحصیلی فرزندان و در راستای برنامه درسی رسمی نیز باشد و این حمایت‌ها، همسویی و مشارکت بین خانه و مدرسه را روشن‌تر می‌کند.
۳	برنامه درسی خانواده محور، از تصمیم‌گیری والدین در زمینه‌ی مؤلفه‌های پنهان و غیررسمی خانواده شکل می‌گیرد و بخشی از این برنامه، نوع رویکرد والدین را در راستای حمایت از تعلیم و تربیت فرزندان را مشخص می‌کند.
۴	مجموعه تجارب آموزشی و تربیتی پنهان و غیررسمی که فرزندان در تعامل با والدین در محیط خانه کسب می‌کنند.
۵	مجموعه راهنمایی‌ها و فعالیت‌های پنهان و غیررسمی والدین که می‌تواند در راستای حمایت‌گری تحصیلی نیز فرزندان باشد.

باتوجه به تعاریف ارائه شده، می‌توان برنامه درسی خانواده محور را به آن دسته از برنامه‌هایی اطلاق کرد که والدین در رابطه با فرزندان ارائه می‌دهند و فرزندان در رابطه با والدین خود کسب می‌کنند و ماحصل این ارتباط تأثیرگذاری مثبت بر نظام آموزشی و مدرسه فرزندان و افزایش مشارکت بین خانه و مدرسه است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور و شناسایی مقوله‌های تشکیل‌دهنده این مفهوم از منظر صاحب‌نظران برنامه درسی بود. نتایج به شناسایی ۳ مقوله‌های کلی (خانواده‌مدار بودن، پنهان بودن، حمایت‌گری تحصیلی) و ۹ زیر مقوله برای فهم صاحب‌نظران از برنامه درسی خانواده محور منتج شد.

خانواده‌مدار^۱ بودن برنامه درسی خانواده محور به‌عنوان اولین مقوله شناسایی‌شده فهم صاحب‌نظران برنامه درسی در این پژوهش با ۵ زیر مقوله بود. از آنجا که مانند گذشته نباید

برای خانواده نقش حاشیه‌ای در نظر داشت (Mardan Arbat & Adib, 2015) می‌توان گفت، نقش خانواده‌ها به عنوان کنشگر اصلی در تعلیم و تربیت و (Mohammadi Pouya et at, 2020)، با عنوان عنصر مهم و محوری، یکی از ابزارهای حیاتی برای دستیابی به نتایج بهتر و همچنین، سازوکار مناسب برای ایجاد مدارس کارآمدتر و مردم‌سالارتر است و می‌تواند نظام بسته و غیرمشارکتی کشور ما را به الگوی مردم سالاری آزاد تبدیل کند (Ahmadi & Mohebbi, 2022). بچه‌ها از دوران ابتدای کودکی، دانش اصلی و پایه، مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های مربوط به خود و خانواده و عادات مربوط به رشد خود را در خانه کسب می‌کنند و خانواده به عنوان اولین و اصلی‌ترین نهاد مسئول در رابطه با رشد و توسعه تحصیلی کودکان است. زمانی این موفقیت کسب می‌شود که والدین به عنوان نقش اصلی و محوری خود آگاه بوده و برنامه درسی خانواده‌محور، سبک‌های تربیتی، شیوه‌های برخورد با کودکان و مهارت‌های لازم ارتباطی را یاد گرفته باشند. اگر والدین مهارت‌های مورد نیاز در زمینه‌ی ارتباطی را یاد بگیرد، می‌تواند خودکارآمدی تحصیلی فرزندان را به همراه داشته باشد (Mc Dermot et at, 2020). زمانی خانواده مداری به شکل ارتباط روشن با فرزندان در مورد ارزش‌ها، انتظارات و آرمان‌های خانوادگی و فردی برای یادگیری دانش‌آموز باشد، اهداف و انتظارات به نوبه خود، باورها و رفتارهای فرزندان را نسبت به یادگیری و افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان (Wang et at, 2014)، را شکل داده و پذیرش انتخاب‌های خانواده و شکل‌گیری برنامه درسی خانواده‌محور را به همراه دارد. داشتن طرح یا برنامه جامع برای یادگیری در خانه با عنوان برنامه درسی خانواده‌محور، می‌تواند این ارتباط را به درستی هدایت کرده و پذیرش انتخاب‌های خانواده‌ها نیز را احتر خواهد شد. و این در حالی است که در نظام آموزشی ایران و در تمام مقاطع تحصیلی آنچه به چشم می‌خورد، فقدان برنامه تعاملی، جامع و مطابق با فرهنگ و نیاز خانواده‌ها و فرزندان‌شان است که ما آن را برنامه درسی خانواده‌محور می‌نامیم. نتایج تحقیقات Sanders & Sheldon (2009)؛ Wang et at (2014) و Shahri et at (2017)، می‌تواند همسو با پژوهش حاضر باشند.

پنهان بودن برنامه درسی خانواده محور دومین مقوله از فهم صاحب‌نظران از برنامه درسی خانواده محور با ۲ زیر مقوله بود. در محیط خانه، افراد طی دوره‌های طولانی که تأثیرپذیرترین دوره‌های رشد فردی است، در معرض آموزش برنامه‌های آشکار و مدون قرار دارند و ضمن آن

تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور

تجاری را کسب می‌کنند که به شکل غیرمستقیم یا غیرآگاهانه شکل دهنده‌ی فرهنگ و ارزش‌های مورد پذیرش آنان است. تناظر برنامه درسی پنهان با ارزش‌ها، خواست‌ها، نگرش‌ها و برداشت‌هایی که دانش‌آموزان از تعامل با فرهنگ خانواده یا برنامه درسی خانواده‌محور (Redding, 1992) و ساختار حاکم بر خانواده دریافت می‌نمایند، از یک سو بیانگر فرصت ارزشمندی است که می‌تواند غنای تجربیات یادگیری را در بر داشته باشد و از سوی دیگر یادآور تهدیدی است که در صورت غفلت برنامه‌ریزان درسی ویرانی بنای یادگیری را به همراه می‌آورد. غفلت و ناآگاهی برنامه‌ریزان درسی نسبت به برخی حوزه‌های برنامه درسی و خانواده، می‌تواند علت شکل نگرفتن برنامه درسی خانواده‌محور باشد، به همین خاطر کمتر به این برنامه توجه شده و از تأثیرگذاری آن غافل شده‌ایم و این در حالی است که تقویت بنیان خانواده از جمله ارزش‌های اساسی و مهم در اهداف نظام تعلیم و تربیتی ایران محسوب می‌شود. برنامه درسی خانواده‌محور می‌تواند به صورت غیررسمی نیز مکمل برنامه درسی رسمی مدرسه بوده و در خانه و با فعالیت والدین در کنار فرزندان اجرایی شود. زمانیکه خانواده‌ها تلاش می‌کنند برنامه‌هایی را برای غنی‌سازی هرچه بیشتر اوقات فراغت فرزندان‌شان در خانه داشته باشند و همچنین، از طریق کلاس‌های فوق برنامه به فرزندان خود کمک کنند، این خود اشاره به برنامه درسی خانواده‌محور غیررسمی خانواده‌ها دارد. برنامه درسی خانواده‌محور وجه اشتراکاتی با برنامه درسی پنهان به دلیل خصوصیات و کارکرد دارد. مهم‌ترین وجه اشتراک، تأثیرگذاری آن به دلیل جاری و ساری بودن در عمل و در موقعیت است نه اینکه به عنوان یک امر مطلوب از دید فرهنگ رسمی در مدح و ستایش یک نگاه، ارزش یا کنش سخن گفته شود. دیگر اینکه چون، در عمل متجلی است و از محیط‌های مختلف خانواده، جامعه، مدرسه، رادیو و تلویزیون تأثیر گرفته و در نهایت از توان و قدرت تأثیرگذاری بیشتر و ماندگاری برخوردار است. اگر، برنامه درسی پنهان را تدریس متنی غیررسمی و غیرملموس نظام ارزش‌ها، هنجارها و طرز برداشت‌ها و جنبه‌های غیرآکادمیک که متأثر از کل نظام تربیتی به فلسفه حاکم، ساخت و بافت کلی جامعه در نظر بگیریم، پس، برنامه درسی خانواده‌محور نیز، می‌تواند در بافت خانواده و به صورت غیررسمی و نانوشته بوده و متأثر از فرهنگ خانواده و ارزش‌های خانواده و همچنین، راهی برای درونی کردن ارزش‌ها خانوادگی باشد. آنچه را دانش‌آموز از فرهنگ خانواده، وسایل ارتباط جمعی، ارتباط با دوستان و همسالان و رفتار یاد می‌گیرند، شاید نوعی برنامه درسی پنهان خانه

به حساب آید. همسو با بصیرت نهفته در مفهوم برنامه درسی پنهان و در اینجا نامرئی این تعبیر نغز زبان فارسی است که "دو صد گفته چون، نیم کردار نیست". این معنا و مفهوم در خانواده در مقایسه با مدرسه اهمیت مضاعف می‌یابد. چرا که در مدرسه ثقل اصلی کنش‌ها متوجه برنامه درسی صریح یا ملهم از آن است و برنامه درسی پنهان، برنامه درسی رقیب یا حاشیه‌ای است و دانش‌آموز اتفاقاً در معرض چیزی قرار می‌گیرند که هیچ‌گاه سخنی از آن در میان نبوده است و به مرور تحت تأثیر برنامه درسی پنهان، رویکرد خاصی نسبت به زندگی و نگرش خاصی نسبت به تحصیل و یادگیری پیدا می‌کنند (Mehrmohammadi, 2011).

حمایت‌گری تحصیلی به‌عنوان آخرین مقوله از فهم برنامه درسی خانواده محور با ۲ زیرمقوله بود. در سیستم‌های آموزشی قدیم مدارس به عنوان محیط یادگیری به حساب می‌آمدند تا، حدی که والدین خودشان را به عنوان چیزی خارج از نظام تعلیم و تربیتی در نظر گرفته بودند. معلمان و مدارس نیز والدین را در زمینه مشارکت نداده و والدین به عنوان افرادی ضعیف و بی‌اثر در آموزش می‌شناختند. امروزه این نگرش تغییر کرده و مدارس سعی می‌کنند والدین را در فرایند آموزش درگیر کرده (Milondzo & Adjei, 2009) و آنها را به عنوان حمایت‌گر و همکار در تحصیلات فرزندان پذیرفته و همچنین، پتانسیل دخالت والدین برای بهبود موفقیت علمی را در نظر می‌گیرند (Epstein et al, 2019). با همراه ساختن والدین جهت آموزش فرزندان‌شان، فرصتی فراهم آورد تا، والدین در محیط واقعی خانه، با برنامه درسی خانواده‌شان، آموزش و یادگیری را آغاز و پیگیری کرده و با شکلی که با ایجاد فضای عملی در موقعیت‌هایی که می‌توانستند بر رفتار فرزندان‌شان نظارت داشته باشند و در صورت نیاز اصلاح رفتاری و آموزشی نیز صورت گرفته و شرایطی را جهت تعمیم آموخته‌های دانش‌آموزان فراهم سازند و همچنین، آنها را در بکارگیری دانش‌شان در فضای خانه یاری رسانده، تشویق و تأیید (Shahri et al, 2017) کنند و از این طریق به ارتقا و پیشبرد حمایت‌های تحصیلی و آموزشی و همچنین، باعث اثربخشی کیفیت آموزشی مدارس (Hossein Abadi & Salimi, 2019) و در نهایت پیشرفت تحصیلی (Khormaei & Saleh Ardestani, 2018) که یکی از نگرانی‌های والدین است (Otani, 2019)، منجر شوند. این پیشرفت‌ها می‌تواند با همکاری خانواده با مدارس بیشتر شده و راه‌حل بسیاری از مسائلی که امروز والدین با فرزندان و مدارس با دانش‌آموزان دارند، نمی‌تواند جز در اعتماد و تعامل مستقیم با کانون خانواده و بهبود کیفیت ارتباطات آنان با اولیای

تبیین مفهوم برنامه درسی خانواده محور

دانش‌آموزان حل و فصل شود (Hosseinzadeh et al, 2019). اگر این ارتباط تسهیل و توسعه یابد و نسبت به هم، پیش‌داوری نمایند و اولیا بتوانند در تنظیم و تهیه محتوای برنامه درسی خانواده و برنامه‌های آموزشی و پرورشی نقش فعال و توانمند داشته باشد و صرفاً در نظام آموزشی شنوندگان خاموشی محسوب نشوند و اگر الگوهای توانمندسازی والدین (Hasanzadeh Viai & Navaei, 2022) و برنامه جلسات آموزش خانواده نیز متناسب با نیازها (نیاز به یادگیری مهارت‌های ارتباطی و آموزشی) و انتظارات آنان که دارای فرهنگ‌های متفاوت و نگرش‌های مختلف هستند تدوین و ارائه شود، عاملی مهم در توانمندسازی و افزایش اعتماد به نفس، ارتقا دانش، خودکارآمدی خانواده‌ها و جلب مشارکت و هماهنگی بین خانه و مدرسه خواهد بود. اگر متوجه شویم که چگونه ارتباط والد-فرزندی و تأثیر این ارتباط بر هماهنگی بین خانه و مدرسه و در نهایت بر یادگیری تأثیرگذار است، آن وقت به فکر برنامه‌ای با رویکرد خانواده‌محور برای رشد بهتر فرزندانمان می‌اندیشیم؛ زیرا، طبق سازوکاری که بر اساس ارتباط و اعتماد شکل می‌گیرد، موجب می‌شود خانواده‌ها و معلمان درک بهتری از دانش‌آموزان پیدا کنند؛ در نتیجه احساس مسوولیت بیشتری در قبال او داشته باشند و از طرف دیگر، دانش‌آموزان نیز با توجه به ارتباط و اعتماد والدینشان با مدرسه، انگیزه بیشتری برای رفتن به مدرسه پیدا نموده و این امر خود می‌تواند منجر به افزایش یادگیری و پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت گردد (Batool & Raiz, 2020). پژوهش‌های (Hasanzadeh Viai & Navaei, 2022) و (Saleh Ardestani & Khormaei, 2018) نشان از تأثیر (2014)، (Sheldon & Sanders, 2009) و (2018) حمایت‌گری تحصیلی والدین داشته و همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

در پایان می‌توان گفت، مفهوم برنامه درسی خانواده محور می‌تواند با محوریت خانواده و تعادل و تعامل بین خانه و مدرسه تبیین شود. با خارج کردن مفهوم خانواده از این تعامل، کل ماهیت برنامه درسی خانواده محور و کارکرد خانه و مدرسه برای رسیدن به اهدافشان از دست خواهد رفت. البته الگوی تقسیم کار میان خانه و مدرسه در جریان تربیت و مرزبندی یا تعیین حریم برای هر یک از دو نهاد معقول و واقع‌بینانه نیست و هر دو نهاد در تربیت به معنای جامع آن (در کلیه ابعاد و ساخت‌ها) نقش دارند و برنامه درسی خانواده محور این تعادل را ایجاد می‌کند. پس، می‌توان یکی از راهبردهای مطلوب برای تحقق اهداف نظام‌های تعلیم و تربیت را مشارکت بین خانه و مدرسه دانست و زمینه‌ساز این مشارکت می‌تواند برنامه درسی خانواده

محور (Sarason, 1971) و تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی (Mohammadi Pouya et al, 2020)، دانست. در حال حاضر شرایط و بستر مناسب آموزشی و تربیتی لازم برای برنامه درسی خانواده محور در سیاست‌گذاری‌های آموزشی در ایران باتوجه به نظام آموزشی متمرکز در کشور جمهوری اسلامی ایران و خانواده‌های ایرانی که دارای نیازهای متفاوت و شرایط فرهنگی متنوع و متفاوت هستند (Toorbati et al, Fadai et al, 2022) و 2020 & 2012 (Ahghar, 2012)، نیست. شاید راهکاری که بتوان برای پیشنهاد داد، برقراری ارتباط نزدیک سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان با ذی‌نفعان یعنی خانواده‌ها، دانش‌آموزان و معلمان باشد. باتوجه به نتایج پژوهش، نقش والدین در به‌ثمر رسیدن آن چیزی که در قالب برنامه درسی خانواده محور که به صورت پنهان و غیررسمی در محیط زندگی فرد به دانش‌آموز ارائه می‌شود، اهمیت دارد و می‌توان به این برنامه درسی غیررسمی به‌عنوان یک تکنیک کمکی برای آموزش نگاه کرد. پس، در این زمینه می‌بایست برنامه‌های منسجمی برای آموزش آنها ارائه داده و نظام آموزشی می‌تواند با برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده در به‌ثمر رسیدن آنچه ما آن را برنامه درسی خانواده محور می‌نامیم، کارساز باشد. همچنین، طراحی برنامه تعاملات آموزشی ویژه (مدرسه محور) برای به اشتراک گذاشتن فعالیت‌های خانه (چگونگی انجام تکالیف در خانه و استفاده از روش‌های تدریس و یادگیری و...) و مدرسه (شرکت در کارگاه‌های خانواده) یا درگیری تحصیلی و بالابردن سطح هماهنگی میان خانه و مدرسه و حمایت‌گری تحصیلی باتکیه بر پذیرش پتانسیل تأثیرگذاری هر یک از دو نهاد بر یکدیگر و ضرورت هم‌افزایی، پیشنهاد می‌شود.

منابع

- Ahmadi, H & Mohebbi, A. (2022). The role of the family in the implementation of school curriculum. Educational scientific and cultural journal of women and family. 59(17), 11-39.
- Araqhieh, A. (2019). Parental participation in the neglected dimension of the curriculum. Scientific Quarterly Journal of Educational Research. 65(16), 133-148.
- Ahghar, Q. (2012). Evaluation of the curriculum to read and write in the second and sixth grades of elementary schools in Tehran. Education Research Institute.

- Adib, Y & Mardan Arbat, F. (2015). Family culture in participation with the implementation of school education programs: a qualitative research .The 14th Annual Conference of Iranian Curriculum Studies" Culture and Curriculum , "Bo Ali Sina University, Hamedan.
- Alhani F.(2003).Designing and evaluation of family centered empowerment model in preventing.Tehran:Tabiat Modares University.
- Adjei, A & Milondzo, K. S.(2009).Parent-Community Involvement in School Governance and its Effects on Teacher Effectiveness and Improvement of learner Performance:A study of selected primary and secondary schools inBotswana.Educational Research and Review .Vol.4(3),pp. Available online at <http://www.academicjournals.org/ERR> American adolescents' academic, behavioral,and emotional development in secondary school.
- Batool, T & Raiz, J.(2020).Exploring Parents Involvement in University Students Education.Journal of Business and Social Review in Emerging Economies,6(1),187-196.
- Burgess, E.W.(1926).The family as a unity of interacting personalities.The Family,7, 3-9.
- Chen ,G.(2018).parental involvement is key to student success.Available [http: public school review.com](http://publicschoolreview.com).Last Visited:2020/3/11.
- Central Advisory Council for Education.(1967).Children and their primary schools:A report of the Central Advisory Council for Education (England).Vol.1.London:HMSO.
- Deplanty, J. Coulter-Kern, R. & Duchane, K. (2007).Perceptions of parent involvement in academic achievement. The Journal of Educational Research, 100(61), 361-368.
- Dempsey I & Keen D.(2010).A review of processes and outcomes in familycentered services for children with a disability. Topics in early childhood special education;28(1):42-52.
- Dunst ,CJ.(2002).Family-centered practices birth through high school.The Journal of Special Education;36(3):141-149.
- Epstein , Joyce L Mavis G.Sanders, Steven B.Sheldon ,Beth S.Simon, Karen Clark Salinas,Natalie Rodriguez Jansorn, Frances L.Van Voorhis, Cecelia S. Martin, Brenda G.Thomas, Marsha D. Greenfeld, Darcy J. Hutchins, KenyattaWilliams.(2019). School,Family, and Community PartnershipsYour Handbook forAction. Fourth Edition.Your handbook for action. 129-133.

- Fadai, M; Salehi Amiri, R, Mehromhammadi, M & Zulfiqarzadeh, M. (2022). Synthesis of key factors of educational policy with family approach: providing a systematic model .Bi-monthly scientific research-new approach in educational management.3(13),1-18.
- Fazeli, N. (2021). The death of the school or the death of the subject? Quarterly Journal of Curriculum Studies, 17(66), 5-40.
- Freny ,M, Agustina ,A.(2021).The Role of Family Social Support on Learning Motivation: A Study on High School Students.Advances in Social Science, Education and Humanities Research, volume 570.
- Glaser, B. (1998). Doing Grounded Theory: Issue and Discussions. Sociology press.Mill vally, CA.
- Gholami, F; Javadipour, M, Dehghani, M, Salehi, K & Chaharbashloo, H. (2023). Strategies to attract home and school participation with an emphasis on the participatory dimensions of Epstein et al (2019).The first international conference on the excellence of family and school interactions: challenges, patterns and strategies, Research Institute of Education Studies and Family Research Institute in Tehran
- Gholami, F; Javadipour, M, Dehghani, M, Salehi, K & Chaharbashloo, H. (2023). Identifying the components and indicators of educational productivity of family-centered curriculum .Quarterly , journal of education. in print.
- Gholami, F; Javadipour, M, Dehghani, M, Salehi, K & Chaharbashloo, H. (2023). Identifying the components and participatory indicators of a family-centered curriculum. family and Research ,in print.
- Hosseinzadeh,P, Aliwand Wafa, M, Khanjani, Z & Hosseini Nasab, D. (2019). Investigating the effectiveness of the home-school cooperation program on the educational, general and social self-efficacy of parents of first grade elementary students in Tabriz city .Family and Research Quarterly.3(7),49-66.
- Hasanzadeh Viai, H & Navaei, S. (2022). Identifying barriers and neglected aspects of partnership and trust building between home and school .The Journal of Movement in Humanities Education of Farhangian University.30(8), 37-62.
- Hossein Abadi, Z & Salimi, S. (2019). Investigating the mediating role of school improvement in the relationship between parents' participation

- and educational quality *Educational Management Innovation Quarterly*.1(16), 73-89.
- Habibi, S; Ali Abadi, Kh, Nili Ahmadabadi, M & Zarei Zawarki, E. (2022). Designing and Developing a Proposed Parent Involvement Model and Investigating its Impact on Early Grade Students' Learning. *Journal of Education Strategies in Medical Sciences*,2(15), 131-140.
- Karami, R; Shariati, S & Safari, F. (2022). The effect of parents' participation in elementary school students' homework and their academic progress . *Journal of new developments in psychology and educational sciences*, 59(6),236-250.
- Lorence Lara, B; Hidalgo Garcia,V & Dekovic, M.(2013). Adolescent adjustment in atrisk families:the role of psychosocial atress and parental socialization. *Salud mental*,36(1),49-57.
- Ntekane, A.(2018).parental involvement in education. Available <https://www.researchgate.net>.Last Visited:2020/2/14.
- McDermott, E. R, Umaña- Taylor, A. J, Schaefer, D. R, Martinez- Fuentes, S, Co, L, Ison, A, & Rivas- Drake,D.(2020).The structure of educational inequity: Adolescents' access to parent education through friendship networks and its impact on academic outcomes. *Social Development*.
- Maleki, H .(2017). *Curriculum planning (practice guide)* .7th edition. Tehran, Payam Andisheh Publications.
- Mehrmohammadi, M. (2011). Family culture: a neglected basis in organizing home-school interactions .*Cultural Strategy Quarterly* ,No. 17 and 18, 175.
- Mohammadi Pouya, S; Adib, Y & Zarei, A. (2020). Appropriate strategies to increase home, school and community connection; A reflection on global experiences. *Journal of School Administration*, Vol 8, No 3, Autumn 2020.
- Madondo, F.(2021).Perceptions on Curriculum Implementation:A Case for RuralZimbabwean Early Childhood Development Teachers as Agents of Change. *Journal of Research in Childhood Education*,35:3,399-416, DOI:10.1080/02568543.2020.1731024.
- Mardanarbat, F & Adib, Y. (2016). Parents' experiences in their children's education: a qualitative study *Journal of Educational Sciences of Shahid Chamran University of Ahvaz*.6(24),69-96.

- Otani, M.(2019).Parental involvement and academic achievement among elementary and middle school students. *Asia Pacific Education Review*,21(1):1-25.
- Prasetyo, k.B & Rahmasari, D.(2016).Hubungan antara dukungan social keluarga dengan motivasi belajar pada siswa. *Jurnal Penelitian Psikologi*.7(1)1-9.
<http://jurnalfpk.uinsby.ac.id/index.php/JPP/article/view/92>.
- Pasandideh, N & Sabzeh, B. (2021). The effect of preschool education on self-esteem of first grade students *.Iranian Curriculum Studies Quarterly*. 17(65),178-159.
- Redding, S.(1992).Family Values, the Curriculum of the Home,and Educational Productivity.The *School Community Journal*,Vol. 2,No.1,Spring/Sununer 1992.
- Sarason, S.(1971).The culture of the school and the problem of the change.*Allyn and Bacon*:Boston.
- Staruss, A & Corbin, J. (2007). *Basics of Qualitative Research*. Third Edition. London: Sage Publications.
- Santuso.(2020).Dampak pembelajaran jarak jauh bagi siswa, butuh peran orang tua untukmengatasinyaKompasiana.https://www.kompasiana.com/sts_santuso/5f69df58097f36456875e4b2/dampak-pembelajaranjarak-jauh-bagi-siswa-butuh-peran-orang-tuam-untukmengatasinya?page=all(September 22).
- Sobhaninjad, M & Yuzbashi, A. (2013). Examining the barriers to the participation of parents of students in the affairs of secondary schools in Isfahan city . *Trainin g & Learnin g Researches / Shahed Universit y* .3(20),361-367.
- Shahri, A; Shirbighi, N & Bolandhemmatan, K. (2017). An Analysis of Families and Community's Involvement inThe Schools' Educational and Administrative Processes Using "Overlapping Spheres of Influence" Model. *Managing Education in Organizations*.2(7), 167-210.
- Saleh Ardestani, S & Khoramei, F. (2018). Relationship Between Parental Support and Academic Avoidance: The Mediating Role of Achievement Goals. *Scientific-research journal of education and evaluation*. 44(11), 145-167.

- Sheldon, S.B & Sanders, M.G.(2009).Principals matter:Aguide to school, family, and community partnerships.Corwin:A SAGE Company sciences.Sixth Edition.
- Smith, K.U.(2011).The impact of parental involvement on student achievement.A dissertation for the degree of doctor of education.University of Southern California.
- Schwab, J. J. (1973). The practical 3: Translation into curriculum. School Review. 81(4), 501-522.
- Toorani, H. (2020). Challenges and Barriers of Education Policy in Air Transportation: Case Study of Civil Aviation Technology College.Science and Technology Policy Quarterly. 1(11),129-139.
- Toorani, H. (2012). Evaluation of the thinking and research curriculum of sixth grade elementary school in TehranResearch Institute of Education Studies.
- Torbati, S., Tajik Esmaeili, S., Khosravi, N. (2020). A Qualitative Study of Adolescent Sexual Education and its Contextual Factors with Emphasis on Interpersonal Relations with Case study: High school adolescent girls and boys residing in Tehran. Sociological studies, 12(45): 77-104. [Persian].
- Torabi, F; Akbari, F & Marjan, N. (2023). Parents' relationship with the school and its effect on increasing productivity in education .The second scientific conference of researchers Hormozgan University
- Wang, M, Hill, N. E, & Hofkens, T.(2014).Parental Involvement and African American and European American Adolescents' Academic, Behavioral, and Emotional Development in Secondary School. Child Development,85(6), 2151–2168.
- Walberg, H.J.(1984.).Families as partners in educational productivity. Phi Delta Kappan 65:397-400.
- Walberg, H.J, M. Bakalis, J. Bast, & S. Baer.(1988).We can rescue our children. Chicago:URF Education Foundation.
- Walberg, H. J.& Wallace, T.(1992).Family programs for academic learning.School community journal,2(1), 12-27.
- Wiliam, O, Shavkin, M.(2014).What is curriculum? And what are the types of curriculum? And what are the types of curriculum, accessible at www.kau.edu.sa(last visited: march1, 2014).
- Zarei, A, Dehghani, M, Salehi, K & Mohammadi Pouya, S. (2020). Identifying existing strategies for parental involvement in secondary

فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۷۴، سال نوزدهم، پاییز ۱۴۰۳

schools; Emphasizing Epstein's participatory dimensions. *New Thoughts on Education Journal of new thoughts on education*. 4(16), 57-89.

